

انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی

● مرتضی شیرودی*

چکیده

بسیاری از صاحب‌نظران و پژوهشگران معتقدند که انقلاب اسلامی ایران یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در پیشبرد روند بیداری و آگاهی مسلمانان و افزایش فعالیت‌های مؤثر اسلامی در جوامع مسلمانان بوده است. از این رو، در مقاله حاضر به برخی از این آثار می‌پردازیم. در آغاز مقاله به وجوه مشترکی که زمینه تأثیرگذاری متقابل انقلاب اسلامی و جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر را فراهم می‌آورد، اشاره شده است. این در حالیست که وجوه افتراقی نیز بین آن دو، اثرات مثبت تأثیرگذاری متقابل را کاهش می‌دهد. پس از آن، بازتاب انقلاب اسلامی در بعد سیاسی و فرهنگی بر جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر مورد بررسی قرار می‌گیرد و در پایان یک نمونه از هزاران نمونه‌ای که در این مورد وجود دارد، یعنی به حزب الله لبنان استناد می‌گردد.

اقبال لاهوری در کتاب «فلسفه خودی» پیش‌بینی می‌کند که تهران در آینده قرارگاه مسلمانان خواهد شد. «پس از انقلاب اسلامی نیز ایران (به صورت) ام‌القرای دارالاسلام» در آمد. حتی ایران می‌تواند به علت «موقعیت منحصر بفرد... و منابع عظیم و بی‌پایان انرژی، ابزار فرهنگی و اعتقادی نیرومند» به مرکز ساماندهی تمدن نوین اسلامی درآید. زیرا، انقلاب اسلامی ایران، «در پیدایش، کیفیت مبارزه و انگیزه... از سایر انقلابات جداست» و می‌تواند در پیامدها و دستاوردها نیز، پیشروتر از سایر انقلابات باشد. این ویژگیها، ریشه

در دین و باورهای برخاسته از مذهب دارد. این انقلاب برآمده از مذهب نیز به احیای دین و تجدید حیات اسلامی در ایران و جهان مدد رساند که یکی از ابعاد آن، تولد و تداوم جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر در دو دهه اخیر است. به این دلیل، چند سؤال در این باره وجود دارد، از جمله:

۱- چرا انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر تأثیر گذاشت؟

۲- انقلاب اسلامی ایران، چه تأثیراتی بر حرکت‌های سیاسی اسلامی معاصر گذاشت؟

۳- میزان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر نهضت‌های سیاسی اسلامی چقدر است؟

این مقاله درصدد است، به این سؤالات سه گانه پاسخ گوید.

زمینه‌های تأثیرپذیری جنبش‌های سیاسی اسلامی از انقلاب اسلامی
در پاسخ به این سؤال که، چرا انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر تأثیر گذاشت؟ می‌توان به موارد مشترک فراوان موجود بین انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر اشاره کرد. این وجوه مشترک، تأثیر متقابل انقلاب اسلامی و حرکت‌های سیاسی اسلامی معاصر را فراهم آورد. برخی از این زمینه‌ها - که از آنها به عنوان عوامل همگرایی یا عناصر همسویی و هم‌رنگی نیز می‌توان یاد کرد - عبارتند از:

۱. عقیده مشترک: انقلاب اسلامی ایران، گرچه یک انقلاب شیعی است، ولی همانند هر مسلمان و هر جنبش اسلامی، به وحدانیت خدا؛ (لا اله الا الله) و به رسالت پیامبر اکرم (ص)؛ (اشهد ان محمداً رسول الله) معتقد است. کعبه را قبله آمال و آرزوهای معنوی خود می‌داند، قرآن را کلام خداوند سبحان و آن را منجی بشریت گمراه تلقی می‌کند و به دنیای پس از مرگ و قبل از آن، صلح، برادری و برابری ایمان دارد.^۱ همانگونه که امام خمینی (ره) گفت: «در کلمه توحید که مشترک بین همه است، در مصالح اسلامی که مشترک بین همه است، با هم توحید کلمه کنید»^۲ البته ویژگی



کاریزمایی امام خمینی (ره) و مواضع ضداستعماری وی که بیشتر مسلمانان جهان بر آن اتفاق نظر دارند، بر تأثیر متقابل انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی افزود.^۲

۲. دشمن مشترک: انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی دارای دشمن مشترکند. این دشمن مشترک که همان استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا (شیطان بزرگ) و اسرائیل (غده سرطانی) است، همانند کفار قریش، مغولان وحشی، صلیبیون مسیحی، استعمارگران اروپایی و صربهای نژادپرست کیان اسلام را تهدید می‌کند، در حالیکه انقلاب اسلامی با طرح شعار «نه شرقی و نه غربی» علم مبارزه علیه دشمن مشترک جهان اسلام را به دوش گرفته است.^۳ امام خمینی (ره) در این باره فرمودند: «دشمن مشترک ما که امروز اسرائیل و آمریکا و امثال اینهاست، می‌خواهند حیثیت ما را از بین ببرند و ما را تحت ستم دوباره قرار بدهند، این دشمن مشترک را دفع کنید.»^۴

۳. هدف مشترک: انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر، خواهان برچیده شدن ظلم و فساد و اجرای قوانین اسلام و استقرار حکومت اسلامی در جامعه مسلمانان و به اهتزاز درآوردن پرچم لا اله الا الله در سراسر جهان از طریق نفی قدرتها و تکیه بر قدرت لایزال الهی و توده‌های مردمند. به سخن امام خمینی (ره)، در این مورد توجه کنید: «همه در میدان باشند، باهم باشند. ما می‌خواهیم حفظ اسلام بکنیم، با کناره‌گیری نمی‌شود حفظ کرد، خیال نکنید که با کناره‌گیری تکلیف از شما سلب می‌شود»^۵ البته برخی از جنبش‌های سیاسی اسلامی، تنها خواستار عمل به احکام اسلام در کشورهای خود و برخی نیز در پی تشکیل یک حکومت مستقل، بدون تأکید بر شکل اسلامی حکومت هستند.^۶ از این رو، می‌توان گفت: جنبش‌های اسلامی معاصر، حیات خود را مدیون انقلاب اسلامی هستند؛ زیرا، انقلاب اسلامی به اسلام و مسلمانان حیاتی تازه بخشید، آنها را از عزلت و حقارت نجات داد، بر ناتوانی مارکسیسم، لیبرالیسم و ناسیونالیسم در اداره و هدایت مسلمانان مهر تأیید زد و اسلام را به عنوان تنها راه حل برای زندگی سیاسی مسلمین مطرح ساخت. «شیخ عبدالعزیز عوده»، روحانی برجسته فلسطینی گفته است: «انقلاب (امام) خمینی (ره)، مهمترین و جدیترین تلاش در بیدارسازی اسلامی ملت‌های مسلمان بود.»^۷ بنابراین، موجودیت و هستی سیاسی

جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر به انقلاب اسلامی وابسته است. این امر زمینه‌های لازم برای تأثیرپذیری جنبش‌های اسلامی از انقلاب اسلامی را فراهم آورده است.

۴. **وحدت طلبی:** تکیه و تأکید انقلاب اسلامی و رهبری آن بر لزوم وحدت همه قشرها و همه مذاهب اسلامی در نیل به پیروزی در صحنه داخلی و خارجی، زمینه دیگر گرایش جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر به سوی انقلاب اسلامی است. چون، انقلاب ایران به تأسی از اسلام ناب محمدی (ص) هیچ تفاوتی بین مسلمانان سیاه و سفید، اروپایی و غیراروپایی قائل نیست، بر جنبه‌های اختلاف برانگیز در بین مسلمین پای نمی‌فشارد، بلکه با ایجاد دارالتقریب فرق اسلامی، برپایی روز قدس، صدور فتوای امام خمینی (ره) علیه سلمان رشدی و برگزاری هفته وحدت و... در جهت اتحاد مسلمانان گام برداشته است. به همین دلیل، طیف گسترده‌ای از گروه‌های غیرشیعی و حتی جنبش‌های آزادیبخش غیراسلامی، انقلاب اسلامی ایران را الگو و اسوه خود قرار داده‌اند.^۹ بنابراین، جای شگفتی نیست که مسلمانان سنی فلسطینی به نام و یاد امام خمینی (ره) به عملیات شهادت طلبانه دست می‌زنند. «محبیب الرحمان شامی»؛ روزنامه‌نگار پاکستانی در این باره می‌گوید: «تأثیر بزرگ دیگر امام خمینی (ره) این است که گرچه ایشان یک رهبر شیعه بودند، با این وجود مبلغ جدایی نبودند بلکه فریاد او برای اسلام بود»^{۱۰}

۵. **مردم‌گرایی:** مردم‌گرایی انقلاب اسلامی، عاملی در گسترش انقلاب و پذیرش آن از سوی ملت‌های مسلمان بوده است. انقلاب ۵۷ و رهبری آن، بر این باور بودند که باید به ملت‌ها بها داده نه به دولت‌ها. به عنوان مثال، حج و اهمیت و ارزشی که ایران انقلابی به آن می‌داد، یکی از مقولاتی است که نشان دهنده مردم‌گرایی انقلاب ایران است. زیرا، امام خمینی (ره)، حج را از یک مراسم عبادی خارج کرد، آن هم از طریق زنده کردن برائت از مشرکین؛ که آن نشانی از برائت از مشرکین توسط پیامبر (ص) است. اگرچه تاوان مردمی کردن حج؛ کشتار حدود چهارصد زائر ایرانی در حج ۱۳۶۶ بود، اما سه سال بعد که بار دیگر، پای ایرانیان به مکه بازگردید، فریاد برائت از مشرکین حجاج همچنان باقی ماند؛ البته در مقیاسی محدودتر.^{۱۱}



همه آنچه را که بین ایران انقلابی و جهان اسلام وجود دارد، وجوه مشترک نیست. بلکه اختلافها و دشواریهایی در این باره نیز به چشم می‌خورد. از جمله:

الف) مسأله تشیع: نسبت شیعیان به کل مسلمانان جهان، ده درصد است. آنها بجز ایران و سوریه، حاکم بر قدرت سیاسی نیستند، با اینکه در کشورهای نظیر عراق و بحرین و احتمالاً در لبنان، اکثریت با شیعیان است؛ همواره نوعی معارضة تاریخی بین شیعه و سنی وجود داشت. البته تضاد تسنن وهابی و نزدیکی تسنن سوری با انقلاب اسلامی بیشتر است و حتی تسنن متأثر از تصوف نیز، تضاد کمتری با شیعه دارد. سپاه صحابه در پاکستان و طالبان در افغانستان از مصادیق بارز مخالفین تشیع در جهان اسلام هستند.

بنابراین، علیرغم وحدت خواهی و وحدت طلبی مانند هفته وحدت انقلاب ایران، تضاد اهل سنت با شیعه، به کلی از بین نرفته است.^{۱۲}

ب) عرب و عجم: تعارض بین عرب و عجم، از آغاز ورود اسلام به ایران پدید آمد. جریان شعوبیه نمونه‌ای از این تعارض قومی است. عباسیان و امویان و نیز عثمانیان و صفویان، به نوعی دیگر این معارضة را دامن زدند و جنگ عراق علیه ایران به عنوان جنگ قادسیه یا مهمترین جنگ بین مسلمانان و ساسانیان و در واقع بین ایرانیان و عربها توجیه می‌شد. به هر روی، آنان ایرانیان را مجوس می‌دانستند و بر این اساس، اعراب را برابر با اسلام و ایرانیان را مخالف با آن می‌دیدند.^{۱۳}

ج) صدور انقلاب اسلامی؟! برخی از شعارها و پیامهای انقلاب اسلامی مانند این سخن امام (ره): «نهضت ما دارد توسعه پیدا می‌کند و می‌رود توی ملتها...»^{۱۴} از سوی برخی به منزله قصد ایران برای مداخله در سایر کشورها و براندازی نظامهای سیاسی آنها تلقی شد. در حالیکه، یک سال بعد امام فرمودند: «صدور با سر نیزه، صدور نیست. صدور با زور، صدور نیست. صدور آن وقتی است که اسلام، حقایق اسلام، اخلاق اسلامی، اخلاق انسانی؛ اینها رشد پیدا کند»^{۱۵} ایشان در جای دیگر فرمودند: «معنای صدور انقلاب ما، این است که همه ملتها بیدار شوند و همه دولتها بیدار بشوند و



خودشان را از این گرفتاریها که دارند ... نجات بدهند».^{۱۶} در مجموع، علیرغم همه دشواریهایی که برای برقراری روابط ایران انقلابی و جهان اسلام و تأثیرپذیری متقابل آن دو وجود دارد، اما وجوه مشترکشان بیشتر است.

تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر

در پاسخ به این سؤال که انقلاب اسلامی ایران، چه تأثیراتی بر حرکت‌های سیاسی اسلامی معاصر گذاشت، می‌توان به آثار متعدد و متنوعی نیز اشاره کرد. پرداختن به همه این آثار، از حوصله این مقاله خارج است. بنابراین، به بخشی از این بازتاب، در دو قسمت سیاسی و فرهنگی اشاره می‌کنیم:

الف) بازتاب سیاسی

در این قسمت به پاره‌ای از بازتاب‌های سیاسی در سه مقوله انتخاب اسلام به عنوان ایدئولوژی مبارزه «تلاش برای دستیابی به حکومت اسلامی» و «نقش انقلاب اسلامی بر حیات سیاسی جنبش‌های اسلامی» می‌پردازیم:

یکی از مهمترین دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران، تجدید حیات اسلام در جهان است. آیت‌الله خامنه‌ای در این باره فرمود: «علیرغم گذشت بیش از یک صد و پنجاه سال از برنامه‌ریزی مدرن و همه جانبه علیه اسلام، امروز در سراسر دنیا یک حرکت عظیم اسلامی به وجود آمده است که به موجب آن اسلام در آفریقا، آسیا و حتی در قلب اروپا، حیات جدیدی را بازیافته و مسلمانان نیز به شخصیت و هویت واقعی خود پی برده‌اند».^{۱۷} به بیان دیگر، عمر دوره‌ای که اعتماد به نفس در میان مسلمانان، به ویژه در قشر تحصیل کرده آن از بین رفته و شمار فراوانی از آنان، خواهان هضم شدن در هویت جهانی بوده و گذشته خود را به فراموشی سپرده بودند و اگر توجهی هم به گذشته می‌کردند هم از باب تفنن و سرگرمی بود، به پایان رسید، و انقلاب اسلامی آن اعتماد به نفس که روزگاری پشتوانه تمدن بزرگ اسلامی بود، احیا و بارور کرد.^{۱۸}

این تجدید حیات اسلام، آثار مختلفی را برای جنبش‌های اسلامی به ارمغان آورد. یکی از این آثار، انتخاب اسلام به عنوان بهترین و کاملترین شیوه مبارزه است. سخنگوی جهاد اسلامی فلسطین در ملاقات با امام خمینی (ره) در این باره گفت:



«انتفاضه بارقه‌ای از نور و بازتابی از پیروزیهای بزرگ انقلاب شماسست، انقلابی که بزرگترین تحول را در عصر ما به وجود آورد»^{۱۹} در حالی که قبل از آن اسلام در صحنه مبارزه علیه اسرائیل نقش چندانی نداشت.^{۲۰} چنین رویکردی به معنای کنار گذاشتن اندیشه‌های غیر مذهبی، به ویژه ناسیونالیسم، لیبرالیسم و کمونیسم و دور ریختن اندیشه جبری بودن سرنوشت انسان بود که همگی در نجات ملل اسلامی از چنگال استبداد داخلی و خارجی ناتوان بودند. به عقیده شیخ عبدالله شامی؛ یکی از رهبران مبارز فلسطینی: «پس از انقلاب اسلامی ایران، مردم فلسطین دریافته‌اند که برای آزادی، به قرآن و تفنگ نیاز دارند.» این در حالی است که برای چند دهه، حرکت‌های انقلابی، اغلب در اختیار گروه‌های مارکسیستی بود. به هر روی، انقلاب اسلامی، تأکیدی بر «بُعد سیاسی اسلام» بود، و از آن پس، در برخی از کشورها، سازمان‌های مخفی شکل گرفت و مبارزه مسلحانه بر پایه اسلام، ساماندهی شد.^{۲۱}

روی آوردن به مبارزه بر اساس اسلام، تنها نتیجه تجدید حیات اسلام که آن را برخی اصول‌گرایی یا بنیادگرایی اسلامی می‌نامند، نیست. بلکه در گرایش جدید؛ «اسلام تنها راه حل»؛ برداشت نوین و تازه‌ای از اسلام صورت گرفت که در آن مسلمین به ایستادگی، مقاومت و پافشاری برای نیل به حقوق خویش تشویق شده‌اند. روزگاری این کار، از سوی حسن البنا و سید قطب در جنبش اخوان المسلمین انجام می‌شد، ولی انقلاب اسلامی، اسلام انقلابی را به صورت جدی‌تر درآورد. البته این ستیزه‌جویی انقلابی، تنها به معنای روی آوردن به اسلحه نخواهد بود، چون در آن شیوه‌های مسالمت‌آمیز، مشابه آنچه حزب اسلام‌گرای رفاه برگزید، نیز دیده می‌شود.^{۲۲}

نظام اسلامی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفت، به صورت بهترین الگو و مهمترین خواسته سیاسی مبارزان مسلمان در آمد. یکی از رهبران مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق در این باره گفت: «ما در آن موقع می‌گفتیم، اسلام در ایران پیروز شده است و به زودی به دنبال آن در عراق نیز پیروز خواهد شد. بنابراین، باید از آن درس بگیریم و آن را سرمشق خود قرار دهیم»^{۲۳} به بیان دیگر، انقلاب اسلامی، حدود ۱/۵ میلیارد مسلمان را برانگیخته و آنان را برای تشکیل حکومت الله روی کره زمین به حرکت درآورد.^{۲۴} این رویکرد، در اساسنامه، گفتار و عمل سیاسی جنبش‌های اسلامی سیاسی معاصر به شکلهای مختلفی مشاهده می‌شود.



علاقه جنبشگران مسلمان به ایجاد حکومت اسلامی به سه صورت زیر ابراز شده است:

اول: برخی از گروه‌های اسلامی در جهان تسنن به صورت آشکار هراسی از مخالفت با دولتهای نامشروع ندارند، و به احادیثی که اطاعت از حاکم اسلامی را در هر شرایط لازم دانسته، چندان توجهی نمی‌کنند، بلکه خواهان استقرار حکومت اسلامی و یا نظام مصطفی(ص) در کشورشان شده‌اند، و آن را در اساسنامه(مانند مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق) و یا در اعلامیه‌های خود(مانند حزب الدعوه) و ... مطرح کرده‌اند. البته برخی از جنبش‌های اسلامی (مانند کشمیر و افغانستان) دستیابی به استقلال سیاسی را اولین هدف سیاسی خود قبل از تأسیس حکومت اسلامی قرار داده‌اند.^{۲۵}

دوم: بعضی از گروه‌های اسلامی دیگر با طرح لزوم اجرای شریعت اسلامی(مانند نهضت جمعیت ارشاد اسلامی مصر) و با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران؛ به عنوان تنها راه حل (مانند جبهه نجات اسلامی الجزایر)^{۲۶} و ... علاقمندی خود را برای بر پا کردن یک حکومت اسلامی ابراز کرده‌اند. آیت‌الله محمدباقر صدر هم قبل از شروع جنگ تحمیلی در تلاش بود، رژیم عراق را سرنگون و یک حکومت اسلامی به شیوه حکومت ایران یعنی جمهوری اسلامی بر پایه ولایت فقیه به وجود آورد. در قیام سال ۱۳۷۰ شمسی (۱۹۹۱ میلادی) شیعیان عراق، میل به تأسیس حکومت اسلامی در رادیو صدای انقلاب عراق به گوش می‌رسید.^{۲۷}

سوم: برخی از حرکت‌های دیگر اسلامی، خویش را از دایره تنگ ناسیونالیسم خارج کرده و خواهان برپایی یک نظام اسلامی بر پایه امت واحد مسلمان از خلیج فارس تا اقیانوس اطلس شده‌اند(مانند رابطه الدعوة الاسلامیه در الجزایر) و یا اینکه بر اساس اصل ولایت فقیه و قبول آن، از رهبری انقلاب اسلامی ایران پیروی می‌کنند.

این دسته از گروه‌ها، دو گونه‌اند، گروهی که از لحاظ عقیدتی و مذهبی خود را مقلد رهبری انقلاب اسلامی ایران می‌دانند؛ مانند جنبش امل در لبنان و دسته‌ای که هم به لحاظ سیاسی و هم مذهبی از رهبری انقلاب اسلامی ایران تبعیت می‌کنند؛ مانند جنبش حزب‌الله لبنان.^{۲۸}

گروه‌ها و سازمان‌های اسلامی مذکور، برای نیل به یک نظام مبتنی بر اسلام شیوه و روش‌های مختلفی را در پیش گرفته‌اند. برخی تنها از طریق اقدام قهرآمیز و مسلحانه؛



مانند حزب‌الله حجاز و کودتا؛ مانند جنبش آزادی‌بخش بحرین، در صدد نابود کردن رژیم حاکم هستند. در نقطه مقابل گروه‌هایی قرار دارند که شرایط فعلی را برای دست‌زدن به اقدامات مسلحانه مساعد نمی‌دانند و با توسل به شیوه‌های مسالمت‌آمیز از قبیل شرکت در انتخابات پارلمانی در پی تغییر نظام موجود هستند؛ مانند حزب اسلام‌گرای رفاه. اما گروه‌های دیگری هم وجود دارند که به هر دو روش پایبندند. جنبش حزب‌الله لبنان نمونه‌ای از این گروه است که در مصاف با اسرائیل و حکومت مارونی لبنان و به منظور استقرار حکومت اسلامی به دو روش متمایز و در عین حال مکمل، جنگ با اسرائیل و شرکت در انتخابات مجلس روی آورده است.^{۲۹}

انقلاب اسلامی ایران در تولد و تحرک سیاسی بسیاری از جنبش‌های اسلامی سیاسی نیز نقش داشته است. چنین تأثیری با مروری بر پرونده سیاسی جنبش‌های اسلامی دهه‌های اخیر به روشنی دیده می‌شود.

برخی از گروه‌های اسلامی سیاسی، تولد و موجودیت خود را مدیون انقلاب اسلامی هستند. این گروه‌ها دو دسته‌اند: دسته‌ای که از یک جنبش اسلامی غیر فعال پیشین منشعب شده‌اند؛ مانند امل اسلامی از جنبش امل و جنبش جهاد اسلامی که برخاسته از اخوان المسلمین فلسطین است، در واقع بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت خود را آغاز کردند و نخستین مرکز جهاد اسلامی فلسطین در نوار غزه فعال شد.^{۳۰} دسته‌ای از فعالیتها وابسته به جنبشی نیستند، بلکه پدیده‌ای جدیدند؛ نظیر نهضت اجرای فقه جعفری پاکستان. اگر چه دسته اخیر بیش از دسته نخست، مدافع و متأثر از انقلاب اسلامی است، اما همه این گروه‌ها در دفاع از انقلاب اسلامی ایران، پیروی از رهبری آن و نیز الگو قرار دادن آن، اشتراک نظر دارند.

بعضی دیگر از گروه‌ها و جنبش‌های سیاسی اسلامی به تأثیر از تجدید حیات اسلام که از ثمرات انقلاب اسلامی ایران در قرن اخیر است از حالت رکود، رخوت و انفعال خارج شده‌اند و با نیرو و سازماندهی جدیدی به مبارزه نظامی و سیاسی علیه حکومت و دولتهای حاکم پرداخته‌اند. مثلاً حرکت اسلامی در دانشگاه‌های النجاج، بیرزیت، غزه، بیت‌المقدس و الخلیل، به نحو چشمگیری پس از انقلاب اسلامی گسترش یافت^{۳۱} و یا فعالیت گروه «جماعة المسلمین» که حضوری محدود در نوار غزه داشت؛ در پی انقلاب اسلامی ایران و نیز به دنبال احکام صادره از سوی دادگاه نظامی «رامله» علیه اعضای

آن، افزایش یافت. ۲۲ بخشی از این گروه‌ها، تنها به افزایش حجم فعالیت‌های خود اقدام کرده و در روند مبارزه، به شیوه‌های مسالمت‌آمیز توجه دارند. بخشی دیگر بر شدت و حجم تلاش‌های ضد دولتی خود افزوده‌اند، و با تکیه بر روش‌های مسلحانه، در صدد نابودی رژیم‌های حاکم هستند. سازمان انقلاب اسلامی جزیره‌العرب از گروه نخست و جبهه اسلامی سوریه از گروه دوم محسوب می‌شوند.

انقلاب اسلامی ایران، در تحرک سیاسی آن دسته از جنبش‌های به ظاهر اسلامی که هیچگونه علقه‌ای به انقلاب اسلامی ندارند نیز، به شکل دیگری مؤثر بوده است، این گروه‌ها که باتولد انقلاب اسلامی و به منظور مقابله با آن گسترش یافته‌اند، با کمک دولتها و اشخاص مخالف انقلاب اسلامی؛ به ویژه با پشتیبانی و حمایت مالی دولتهایی چون دولت پادشاهی عربستان سعودی شکل گرفته‌اند. وهابیت در پاکستان؛ ساف در فلسطین اشغالی و سازمان پیکار اسلامی در عراق، نمونه‌هایی از این گروه‌ها به شمار می‌روند. به همین جهت، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، صف اسلام سازشکار (اسلام آمریکایی) از صف اسلام ناب محمدی کاملاً جدا شده است. از این رو، کشورهای عربی مسلمان برای جلوگیری از ظهور قیام مردمی متأثر از انقلاب اسلامی، تلاش زیادی را برای بهبود بخشیدن به اوضاع اقتصادی و تظاهر به اسلام آغاز کرده‌اند. ۲۳

ب) بازتاب فرهنگی

امور فرهنگی از آن حیث مهم هستند که پایه و اساس امور و حرکت‌های سیاسی را فراهم می‌آورند. به دیگر سخن، امور فرهنگی زمینه‌ساز امور سیاسی می‌باشند. به این دلیل، رنگ و بوی سیاسی به خود می‌گیرند و در مقوله سیاسی، شایستگی مطرح شدن می‌یابند. از این رو، در این بخش، صرفاً چند مقوله فرهنگی بازگشت به ارزش‌های مبارزه اسلامی، پیروی از شعائر و شعارهای انقلابی ایران و ... مطرح می‌شود. البته ذکر این چند مورد بدان معنا نیست که سایر امور فرهنگی بی اهمیت است.

انقلاب اسلامی ایران ارزش‌های فرهنگی نوینی را در مبارزه سیاسی جنبش‌های اسلامی مطرح کرد. یکی از این ارزش‌ها گرایش به جهاد است. جنبش‌های اسلامی پس از انقلاب اسلامی ایران، جهاد، شهادت و ایثار جان را به عنوان اصول اساسی پذیرفته است. به بیان دیگر، اصولی چون جهاد، شهادت و فداکاری که سمبل حرکت‌های انقلابی



شیعیان و شعار انقلاب اسلامی شمرده می‌شد، به عنوان اصول اساسی مبارزه پذیرفته شد و به آن با دیده تکلیف و فریضه دینی نگریسته شد. سخنگوی جنبش جهاد اسلامی فلسطین در دیدار با امام (ره) و در خطاب به ایشان گفت: «با ظهور انقلاب شما، ملت مسلمان و بزرگ ما فهمید که راهش، راه جهاد و مبارزه است». «شیخ اسعد تمیمی» یکی از رهبران فلسطینی در این باره گفت: «تا زمان انقلاب ایران، اسلام از عرصه نبرد غایب بود، حتی در عرصه واژگان، مثلاً به جای جهاد از کلماتی همچون نضالی و کفاح استفاده می‌شد». ^{۳۴} البته جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر، این کلمات را به شکل‌های مختلفی نظیر عملیات شهادت طلبانه و یا مبارزه مسلحانه و جنگ به کار گرفته‌اند. ^{۳۵}

مردمی بودن که یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران است، در جنبش‌های سیاسی اسلامی راه یافته است به عبارت دیگر، این جنبش‌ها دریافته‌اند که اسلام توانایی بسیج توده‌های مردم را دارد. بر این اساس، آنها از اتکا به قشر روشنفکر به سوی اتکا به مردم گرایش یافته‌اند، و در نتیجه پایگاه مردمی خود را گسترش داده‌اند. مثلاً هسته اصلی مبارزه در فلسطین را روحانیون، دانشجویان، جوانان و نوجوانان تشکیل می‌دهند. به هر روی، پس از انقلاب اسلامی ایران، جنبش‌ها، مبارزات خود را به صورت مردمی پی می‌گیرند. به عقیده دکتر «حسن الترابی» رهبر جبهه اسلامی سودان: «انقلاب اسلامی» اندیشه کار مردمی و استفاده از توده‌های مردم را به عنوان هدیه‌ای گرانبها به تجارب دعوت در جهان اسلام عطا کرد. گرایش به اندیشه کار مردمی، جنبش‌های اسلامی را به سوی وحدت طلبی مذهبی و قومی سوق داد. به عنوان مثال: یکی از مواد بیانیه شش ماده‌ای مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، بر وحدت اسلامی تکیه دارد. در مجموع، این امر، جنبش‌های اسلامی سیاسی را از اختلاف و تفرقه دور ساخته و آنها را از تشکیلات قویتر، امکانات وسیعتر، حمایت گسترده‌تر و پایداری بیشتر برخوردار ساخت. ^{۳۶}

شکل دیگر تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر، تقلید شعارهای انقلاب اسلامی از سوی جنبشگران مسلمان است؛ مثلاً شعار مردم مسلمان معترض ترکیه، قبل از کودتای ۱۳۵۹ آن کشور، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بود. شهروندان کابل بر فراز بام منازل خود فریاد الله اکبر سر می‌دادند، در پلاکاردهای مسلمانان مصر شعار «لا شرقیه ولا غربیه» دیده شده است. مردم کشمیر در راهپیمایی



دویست هزار نفری ۱۳۶۹ شعار الله اکبر و خمینی رهبر را مطرح کردند. جهاد اسلامی فلسطین بر آن است که فلسطینیها همان شعارهایی را سر می‌دهند که انقلاب اسلامی منادی آن بود با شعارهایی نظیر: لا اله الا الله، الله اکبر و پیروزی از آن اسلام است. در واقع، آنها شعارهای قوم‌گرایی و الحادی را به یک سو انداخته و شعارهای انقلاب اسلامی را برگزیدند در سالهای ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۹ در خیابان‌های «کیپ تاون» آفریقای جنوبی بسیار شنیده شده است که مردم ندای الله اکبر سر می‌دادند. این امر یادآور و مؤید این کلام رهبری انقلاب است که فریاد الله اکبر مردم الجزایر بر پشت بامها؛ درس گرفته از ملت انقلابی ایران است.^{۲۷}

جنبش سیاسی اسلامی معاصر به تأثیر از انقلاب اسلامی ایران از مسجد سرچشمه می‌گیرد و به مسجد و اماکن مقدسه ختم می‌شود. حتی دانشجویان انقلابی، حرکت‌های ضد دولتی خود را از مسجد دانشگاه‌ها سامان می‌دهند. بدین‌سان مساجد رونق تازه‌ای یافته‌اند و مرتب شاهد ساخت مساجد جدید هستیم؛ به عنوان مثال، تعداد مساجد ساخته شده در فلسطین طی سالهای ۷۸ و ۷۹، سه برابر سالهای قبل از آن بود و نیز برنامه‌های مساجد نیز افزایش یافته است؛ گفتگوهای سیاسی در مساجد افزوده شده، گرایش به مسجد و نمازهای جمعه و جماعت نیز فزونی یافته است، و به عبارتی مساجد بیش از گذشته به مرکز مخالفت‌های ضد دولتی تبدیل گردیده است. هسته‌های اصلی مبارزه، از دورن مساجد و با فکر و اندیشه اسلامی آغاز و گسترش یافت و مبارزات به شکل مردمی و همه‌جانبه در آمد، و به همین دلیل، دومین مرحله انتفاضه که در ماه‌های پایانی ۱۳۷۹ شکل گرفت، به انتفاضه الأقصى معروف است (قبل از آن نیز، به انتفاضه، انقلاب مساجد می‌گفتند).^{۲۸} شاید به این علت، امام جماعت مسجد الأقصى می‌گوید: «مسجد به صورت مکانی از منبع الهام، با ثبات و پیوستگی مبارزان فلسطینی علیه اشغالگران درآمده است.»

از دیگر مظاهر انقلاب اسلامی ایران که در پیروان جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر دیده می‌شود، حجاب است. با پیروزی انقلاب اسلامی، گرایش به حجاب اسلامی در اقصی نقاط جهان اسلام فزونی گرفت.

حتی در برخی از کشورهای اسلامی چون لبنان و الجزایر، چادر، سمبل حجاب زنان ایرانی - به ویژه پس از انقلاب - مورد استفاده گسترده قرار گرفت. در ترکیه، علیرغم



مخالفت‌های دولتی، رعایت حجاب رو به گسترش است. زنان فلسطینی گرایش بیشتری به حجاب پیدا کرده‌اند، در کنار آن، رویکرد به نماز بیشتر شده و تعداد مجلات و نشریات اسلامی افزایش یافته است؛ مشروب فروشی‌ها و مراکز فساد و فحشا نیز، مورد حمله بسیار قرار می‌گیرند. حجاب اسلامی، حتی تا دل اروپا هم نفوذ کرده است، بگونه‌ای که گرایش به حجاب در مدارس فرانسه و مخالفت مکرر دولت این کشور با حجاب، پدیده‌ای به نام جنگ روسری را پدید آورده است.^{۲۹}

یکی دیگر از آثار فرهنگی انقلاب اسلامی ایران بر حرکت‌های اسلامی و سیاسی معاصر: تظاهرات به سبک ایران است که در برخی از کشورهای اسلامی برگزار شده است: مثلاً مردم شهرهای عراق، چون نجف و کربلا در تأیید انقلاب اسلامی ایران و به تاسی از آن، در روز ۲۳ بهمن ۱۳۵۷، تظاهراتی شبیه به ایران برپا نمودند. در پی آن، تظاهراتی به شکل ایران در شهرهای کاظمین، الثوره، بغداد و دیاله به رهبری «آیت الله محمد باقر صدر» برقرار شد. حتی در آغاز انتفاضه جدید مردم عراق، یعنی در سال ۱۳۷۰، آنها نیز همانند تظاهرات کنندگان ایرانی سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷، شهر حلبچه را به خمینی شهر نام‌گذاری کردند، و کنترل شهرها را به دست گرفتند. شیعیان عربستان سعودی اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در شهرهای قطیف، صفا، اباقیق، خنجدی و شیوات دست به تظاهرات زدند. تظاهرات مشابهی در ۱۳۵۷ در شهرهای قونیه، یوزکات و کوچائیلی ترکیه صورت گرفت. این روند، کم و بیش در سالهای بعد نیز ادامه یافت.^{۴۰} شعارنویسی به شیوه مبارزان انقلابی ایران مورد توجه جنبش‌گران مسلمان است، به عنوان مثال: مردم مصر در مخالفت با رژیم حسنی مبارک، شعارهای لاله الاله، محمد رسول الله (ص) و آیات قرآن را بر روی شیشه اتومبیلها می‌نویسند. در نجف؛ شعارهایی از قبیل بله به «اسلام» و نه به «عقل» بر روی دیوارها نوشته می‌شد. در انتفاضه پانزدهم شعبان ۱۳۷۰ عراق، شعار «النجدی یا ایران» به چشم می‌خورد علاوه بر آن، اعلامیه‌ها، سخنرانی‌ها، و پوسترها به شکل مشابه آنچه در ایران مشاهده می‌گردد در کشورهای اسلامی نیز چاپ و انتشار می‌یابد. هنوز در منطقه شیعه‌نشین بیروت؛ «ضاحیه» شعارهای انقلاب اسلامی و تصاویر رهبر آن وجود دارد.^{۴۱}

بازتاب انقلاب اسلامی، بررسی یک نمونه

بهترین پاسخ به این پرسش که انقلاب اسلامی به چه میزان بر جنبش‌های اسلامی معاصر تأثیر گذاشته است؛ معرفی و توصیف مصادیق است. البته مصادیق متعدّدند، اما برخی از آنها دارای برجستگی بیشتری هستند. در این مورد، لبنان و حزب الله برجسته‌ترین نمونه است.

بین ایرانیان و لبنانی‌ها، علقه‌های فراوانی نظیر پیوندهای تاریخی علما و مردم جبل عامل با ایران دوران صفویه؛ فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی روحانی بلندآوازه ایرانی؛ امام موسی صدر به عنوان رهبر شیعیان لبنان؛ تشکیلات بر جای مانده از او مانند جنبش امل؛ حضور شیعیان بسیار در لبنان؛ وجود دشمن مشترک (اسرائیل)؛ حمله اسرائیل به جنوب لبنان؛ کمک‌های انسان دوستانه جمهوری اسلامی ایران به محرومان لبنانی، و مهاجرت و سکونت دائم تعدادی از اتباع لبنان در ایران و ... وجود دارد. این پیوندها سبب گردیده تا انقلاب اسلامی ایران بیش از هر جا در لبنان مؤثر باشد. این تأثیر در زمینه‌های متعددی مشاهده می‌شود؛ در زمینه فرهنگی، تعداد زیادی از تصاویر بزرگ امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در نقاط مختلف لبنان به چشم می‌خورد. بر روی دیوارهای آن، عکس‌شهادی دیده می‌شود که جان خود را در راه مبارزه علیه آمریکا و رژیم صهیونیستی «دشمن شماره یک ایران» از دست داده‌اند. مردان با ظواهر اسلامی در خیابان‌ها در رفت و آمد هستند. زنان ملبس به حجاب اسلامی‌اند و در اجتماعات عمومی، جایگاه زنان از مردان جداست، و مردم لبنان از ایران به عنوان یک دولت انقلابی و اسلامی حمایت می‌کنند.^{۴۲}

در لبنان، حزب الله بیش از هر گروه سیاسی اسلامی دیگر، تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار دارد. علاوه بر زمینه‌های مشترک موجود بین ایران و لبنان، انگیزه‌های دیگری موجب چنین تأثیر شگرفی شده است. این انگیزه‌ها را می‌توان در پذیرش رهبری انقلاب اسلامی به عنوان رهبر دینی و سیاسی از سوی حزب الله و کمک‌های تسلیحاتی، مالی و ... ایران به حزب الله خلاصه کرد. همچنین حزب الله لبنان از لحاظ اقتصادی و اجتماعی با اعطای کمک‌های تحصیلی به مستضعفان، توزیع داروی رایگان بین بیماران، تقسیم آب بین نیازمندان، ارائه خدمات درمانی به محرومان - البته در پرتو حمایت ایران - به شدت فعال است. در عین حال از لحاظ نظامی از اسلحه و جنگ



جدا نیست. بلکه بر پایه اصل جهاد، همواره آماده پاسخگویی به حمله احتمالی دشمن صهیونیستی است، و در این باره، اعضای حزب‌الله لبنان بر اساس شعار اسلامی امام خمینی (ره) - اسرائیل باید از بین برود - قسم یاد کرده‌اند که جنگ با اسرائیل را تا آخرین لحظه ادامه دهند. در بعد فرهنگی حزب‌الله شعارهایی را از انقلاب اسلامی به عاریت گرفته و سمبل‌های انقلاب اسلامی را سمبل خود می‌دانند. پیروزی حزب‌الله در دو دهه از فعالیتش علیه اسرائیل در مقایسه با فعالیت چهل و پنجاه ساله «ساف» نشان از سودمندی استفاده از شعارهای اسلامی و جهاد مقدس علیه اشغالگران و عدم اتکا به کشورهای دیگر در مبارزه ضد اسرائیلی دارد.^{۴۳}

حزب‌الله لبنان در بعد سیاسی هم بشدت از انقلاب اسلامی ایران تأثیر پذیرفته است و بر خلاف جنبش امل به رهبری «نبیه بری» و جنبش سنی‌گرایی توحید اسلامی به رهبری «مرحوم شیخ سعید شعبان» رهبری انقلاب ایران را در دو بعد سیاسی و مذهبی، و بر پایه اصل ولایت مطلقه فقیه پذیرفته است. به همین جهت از مواضع منطقه‌ای و جهانی جمهوری اسلامی ایران حمایت بعمل می‌آورند، و در پی تأسیس حکومت اسلامی مشابه جمهوری اسلامی در لبنان هستند. «حسین موسوی» رهبر جنبش امل اسلامی در این باره می‌گوید: «ما به جهان اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی مادر ماست، دین ما، ملکه ما خون ما و شریان حیات ماست»^{۴۴} در مجموع می‌توان گفت که علت توفیق حزب‌الله دو چیز است:

اولاً: به مبارزه رنگ اسلامی زد، شعارهای اسلامی برگزید، جهاد علیه اشغالگران را اعلام نمود.

ثانیاً: بدون اتکا به سایر کشورها، مبارزه خود را اداره کرد و آن را به انجام رسانید. که هر یک از این دو علت توفیق؛ برگرفته از انقلاب اسلامی ایران است.

نتیجه

انقلاب اسلامی تلاشی برای زنده کردن خدا در محور حیات انسان^{۴۵} و نیز، روشی برای زندگی فراتر از همه اختلافات ملی، قومی و مذهبی بوده است^{۴۶}. به بیان دیگر، انقلاب اسلامی از انقلاباتی است که حرکت و آثارش در چارچوب مرزهای یک کشور خلاصه نمی‌شود؛ بلکه دیدگاه فراملی دارد. از این رو، بر روی ملتها حساس است و تمایل به

فراگیر شدن دارد. بنابراین، بر جنبش‌های اسلامی سیاسی معاصر تأثیر گذاشته، و به آنان جرأت و جسارت مبارزه داده است؛ و به آنان می‌گوید: «اسلام به ملتی خاص تعلق ندارد و هدف آن، نجات محرومان و مستضعفان است». نتیجه آنکه، انقلاب اسلامی چراغ رستگاری و نجات را بر افراشته است، اینکه مسلمانان، به ویژه جنبش‌های اسلامی بتوانند از نور این چراغ به هدایت و سعادت نایل آیند، به عوامل متعددی بستگی دارد که مهمترین آن، اراده و تلاش آنها در چارچوب اسلام؛ با الگوگیری از انقلاب اسلامی است.

پی‌نوشت‌ها

۱. انور جندی، *اسلام و جهان معاصر*، ترجمه حمیدرضا آژیر (مشهد، آستان مقدس رضوی، ۱۳۷۱) صص ۲۶۰-۲۵۷
۲. امام خمینی (ره)، *صحیفه نور*، ۲۲ ج، ج ۲، (تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱) ص ۳۳
۳. رسول جعفریان، *مقالات تاریخی*، ۷ ج، ج ۵، (قم، الهادی، ۱۳۷۸)، ص ۲۳۸
۴. جندی، پیشین.
۵. امام خمینی (ره)، *صحیفه نور*، ج ۱۶، ص ۲۸۹
۶. همان، ج ۲۰، ص ۶
۷. *جمیله کدیور، رویارویی انقلاب اسلامی و آمریکا*، (تهران، اطلاعات، ۱۳۷۲)، صص ۹۹
۸. همان، ص ۱۰۰ و ۱۱۴
۹. امام خمینی (ره)، *صحیفه نور*، ج ۶، ص ۷۶۸
۱۰. حضور، شماره ۳۴، (زمستان ۱۳۷۹)، ص ۱۳
۱۱. رسول جعفریان، پیشین، ص ۲۴۱
۱۲. همان، ص ۲۴۳
۱۳. همان، ص ۲۴۵
۱۴. امام خمینی (ره)، *صحیفه نور*، ج ۱۱، ص ۴۵
۱۵. همان، ج ۱۲، ص ۲۶۳
۱۶. همان، ص ۱۲۳
۱۷. کیهان، بیست و دوم آذرماه ۱۳۶۹، ص ۱۲
۱۸. رسول جعفریان، پیشین، ص ۲۳۶
۱۹. حسین کرهرودی، «انتفاضه فلسطین مولود اصول‌گرایی اسلام معاصر»، *علوم سیاسی*، سال چهارم، شماره ۱۴ (تابستان ۱۳۸۰): ص ۲۹۹
۲۰. *جمیله کدیور*، پیشین، ص ۱۰۸
۲۱. رسول جعفریان، پیشین، صص ۲۳۷ و ۲۴۷
۲۲. همان
۲۳. محمدحسین جمشیدی، «ارتباط متقابل انقلاب اسلامی ایران و جنبش شیعیان عراق»، *مجموعه مقالات انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*، دو جلدی، جلد دوم، (قم، نهاد نمایندگی رهبری در



- دانشگاه‌ها، ۱۳۷۴)، صص ۳۹۴-۳۹۱.
۲۴. جمهوری اسلامی، چهارم بهمن ۱۳۷۱، ص ۸.
۲۵. دستاوردهای عظیم انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در گستره جهان. ج ۲، ج ۲، (تهران: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، بی تا) ص ۴۸-۲.
۲۶. جمعی از نویسندگان، انقلاب اسلامی؛ چرایی و چگونگی رخداد آن، (قم: نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۷۸)، ص ۲۱۳.
۲۷. محمدحسین جمشیدی، پیشین.
۲۸. حمید احمدی، «انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه عربی»، مجموعه مقالات پیرامون جهان اسلام، (تهران: بصیر، ۱۳۶۹)، صص ۱۵۷ و ۱۱۷.
۲۹. دستاوردهای عظیم انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در گستره جهان، پیشین.
۳۰. جمیله کدیور، رویارویی انقلاب اسلامی و آمریکا، (تهران: اطلاعات، ۱۳۷۲)، ص ۹۹.
۳۱. همان، ص ۱۱۴.
۳۲. هادی خسروشاهی، حرکت‌های اسلامی در فلسطین، (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰)، ص ۱۴۳.
۳۳. جمیله کدیور، پیشین، ص ۱۰۸ و جعفریان، پیشین، ص ۲۴۷.
۳۴. کرهرودی، پیشین.
۳۵. جعفریان، پیشین.
۳۶. حسین کرهرودی، پیشین، ص ۲۹۹.
۳۷. جمشیدی، پیشین و کرهرودی، پیشین، ص ۲۹۹ و جمهوری اسلامی، سیزدهم خرداد ماه ۱۳۷۶، ص ۸.
۳۸. کرهرودی، پیشین و مهدی حسنی، فلسطین و صهیونیزم، (قم: مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۷۶)، ص ۸۱.
۳۹. دستاوردهای عظیم انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در گستره جهان، پیشین.
۴۰. همان.
۴۱. جمشیدی، پیشین و جعفریان، پیشین.
۴۲. دستاوردهای عظیم انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در گستره جهان، پیشین.
۴۳. همان.
۴۴. جمیله کدیور، پیشین، ص ۱۱۶.
۴۵. حضور، شماره ۲۷، بهار ۱۳۷۸، ص ۷۰.
۴۶. حضور، شماره ۳۴، زمستان ۱۳۷۹، ص ۱۴.

کتابنامه

۱. ابوطه، انور. تأثیر امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی در اندیشه و عملکرد جنبش جهاد اسلامی فلسطین، ترجمه مهدی سرحدی، حضور، شماره ۳۳، (پائیز ۱۳۷۹).
۲. راهبرد، شماره ۱۲، (زمستان ۱۳۵۷).
۳. لاریجانی، محمدجواد. مقولاتی در استراتژی ملی، (تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب،

۴. امام خمینی (ره). وصیت‌نامه سیاسی الهی، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹).
۵. جندی، انور. اسلام و جهان معاصر، ترجمه حمید رضا آذیر، (مشهد: آستان قدس، ۱۳۶۸).
۶. امام خمینی (ره). صحیفه نور، ۲۲ ج، ج ۲، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱).
۷. جعفریان، رسول. مقالات تاریخی. ج ۷، ج ۵، (قم: الهادی، ۱۳۷۸).
۸. امام خمینی (ره). صحیفه نور، جلد شانزدهم.
۹. کدیور، جمیل. رویارویی انقلاب اسلامی و آمریکا، (تهران: اطلاعات، ۱۳۷۲).
۱۰. امام خمینی (ره). صحیفه نور، جلد ششم.
۱۱. امام خمینی (ره). صحیفه نور، جلد یازدهم.
۱۲. کیهان. بیست و دوم آذر ماه ۱۳۶۹.
۱۳. کرهرودی حسین. «انتفاضه فلسطین مولود اصول‌گرایی اسلامی معاصر». علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۴، (تابستان ۱۳۸۰).
۱۴. جمشیدی، محمد حسین. ارتباط متقابل انقلاب اسلامی ایران و جنبش شیعیان عراق، مجموعه مقالات انقلاب اسلامی ریشه‌های آن، ج ۲، ج ۲ (قم: نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۷۴).
۱۵. جمهوری اسلامی، ۴ بهمن ۱۳۷۱.
۱۶. دستاوردهای عظیم انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در گستره جهان. ج ۲، ج ۲، (تهران: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، بی‌تا).
۱۷. جمعی از نویسندگان. انقلاب اسلامی چرایی و چونگی رخداد آن، (قم: نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۷۸).
۱۸. احمدی حمید. انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه عربی، مجموعه مقالات پیرامون جهان سوم، (تهران: سفیر، ۱۳۶۹).
۱۹. خسروشاهی، هادی. حرکت‌های اسلامی در فلسطین، (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰).